

نام و نام خانوادگی:
 مقطع و رشته: دوازدهم انسانی
 نام پدر:
 شماره داوطلب:
 تعداد صفحه سؤال: ۱ صفحه

جمهوری اسلامی ایران
 اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
 اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۴ تهران
 دبیرستان غیردولتی دخترانه سرای دانش واحد رسالت
 آزمون پایان ترم نوبت اول سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

نام درس: فلسفه (۲)
 تاریخ امتحان: ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۹۹
 ساعت امتحان: ۰۸ : ۰۰ صبح / عصر
 مدت امتحان: ۹۰ دقیقه

محل مهر و امضاء مدیر	نمره به عدد:	نمره به حروف:
	نمره تجدید نظر به عدد:	نمره به حروف:
نام دبیر:	تاریخ و امضاء:	نام دبیر:
سؤالات	نمره	سؤال
۱	چه عاملی باعث آشنایی مجدد فلاسفه غرب با فلسفه ارسطویی در قرن های ۱۳ تا ۱۵ میلادی شد؟	۱
۲	آیا دو مفهوم انسان و حیوان ناطق از یکدیگر جدایی پذیرند؟ توضیح دهید.	۲
۳	نظریه امکان فقری یا فقر وجودی را چه کسی مطرح کرده است و منظور از غنی بالذات کیست؟	۱
۴	میان ماهیات و وجود یک رابطه "امکانی" برقرار است یعنی چه؟	۱
۵	از نظر ابن سینا چرا اشیاء جهان، واجب الوجود بالغیر هستند؟	۲
۶	از نظر ملاصدرا وجود چند گونه است؟ نام ببرید.	۱
۷	تجربه گرایان (امپریستها) چه کسانی هستند؟	۱
۸	از نظر هیوم چرا درک علیت از طریق حس امکان پذیر نیست؟ (با ذکر مثال توضیح دهید)	۲
۹	از نظر داروین کدام دسته از جانداران به حیات خود ادامه داده و رشد کرده اند؟	۱
۱۰	توضیح دهید اصل وجوب بخشی علت به معلول جهان را چگونه نشان می دهد.	۱
۱۱	علت ناقصه و تامه را تعریف کنید.	۲
۱۲	دیدگاه ابن سینا درباره اصل علیت را توضیح دهید.	۱
۱۳	در جامعه یونان باستان انکار خدایان چه نتیجه ای را به دنبال داشت؟	۱
۱۴	افلاطون خداوند را چگونه توصیف می کند؟	۱
۱۵	استدلال ابن سینا در اثبات وجود خدا (برهان وجوب و امکان) را توضیح دهید.	۲
صفحه ۱ از ۱		

جمع بارم : ۲۰ نمره

روز افزون موفق باشید



اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۴ تهران
دبیرستان غیر دولتی دخترانه سرای دانش واحد رسالت
کلید سؤالات پایان ترم نوبت اول سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

ناهم درس: فلسفه (۲)
تاریخ امتحان: ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۹۹
ساعت امتحان: ۰۸:۰۰ صبح / عصر
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه

ردیف	راهنمای تصحیح	محل مهر یا امضاء مدیر
۱	ترویج دیدگاه های ابن سینا و تا حدودی ابن رشد در اروپا	
۲	خیر، این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند. هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اصولاً لفظ انسان برای همین چیزی که حیوان ناطق است به کار می رود. و تفاوت آنها صرفاً در گستردگی شان است؛ یعنی حیوان ناطق مفهوم گسترده انسان است.	
۳	ملاصدرا - غنی بالذات خداوند متعال است که همه موجودات به او وابسته اند.	
۴	یعنی ذات و ماهیت اشیاء به گونه ای نیست که حتماً باید باشد. همچنین، به گونه ای هم نیست که بودن آنها محال باشد. این اشیاء ذاتاً می توانند باشند یا نباشند. به تعبیر دیگر، این اشیاء ممکن الوجودند.	
۵	اشیاء جهان، چه تعداد آنها محدود باشد و چه نامحدود، چون ذاتاً ممکن الوجودند، به واجب الوجود بالذاتی نیاز دارند که آنها را نسبت به وجود از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آنها ضروری و واجب نماید. بنابراین، اشیای جهان واجب الوجود بالغیر هستند.	
۶	از نظر ملاصدرا وجود دو گونه است: ۱- وجود بی نیاز و غیروابسته ۲- وجودهای نیازمند و وابسته	
۷	کسانی هستند که هر چیزی را از طریق حس و تجربه تحلیل می کنند.	
۸	او می گوید درک علیت از این طریق هم ممکن نیست؛ چون علیت مفهومی فراتر از حس است. حس فقط می تواند اجسام و رنگ ها و شکل ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد. مثلاً چشم، می بیند که با آمدن خورشید به آسمان زمین روشن می شود اما اینکه خورشید روشنی زمین است چنین چیزی با حس قابل رؤیت نیست.	
۹	آن دسته از جانداران که تغییرات اندامی شان اتفاقاً سازگار با محیط بوده است.	
۱۰	جهان را تابع رابطه ای ضروری و حتمی نشان می دهد؛ به گونه ای که اگر علت با تمام حقیقت خود تحقق یافت، یقین پیدا می کنیم که تحقق معلول نیز ضروری و حتمی می شود و وجوب وجود پیدا می کند.	
۱۱	در آنجا که معلول ناشی از مجموعه چند عامل است که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول اند، هریک یا برخی از عوامل را "علت ناقصه" و مجموعه عوامل را "علت تامه" می گویند.	
۱۲	درک رابطه "علیت" و پی بردن به آن از طریق تجربه امکان پذیر نیست؛ زیرا ما از طریق حس و تجربه، فقط به دنبال هم آمدن یا همراه هم آمدن برخی پدیده ها را می یابیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای "علیت" نیست.	
۱۳	طرد از جامعه یونان و گاه از دست دادن جان را به دنبال داشت.	
۱۴	در سوی دیگر، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است؛ نه می زاید و نه از میان می رود و نه چیز دیگری را به خود راه می دهد و نه خود در چیزی دیگری فرو می شود. او نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتنی است. فقط با تفکر و تعقل می توان به او دست یافت و از او بهره مند شد.	
۱۵	۱. وقتی به موجودات این جهان نگاه می کنیم، می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم (بودن و نبودن) مساوی اند؛ هم می توانند باشند و هم می توانند نباشند. به عبارت دیگر، این موجودات ذاتاً ممکن الوجودند. ۲. ممکن الوجود بالذات، برای اینکه از تساوی میان وجود و عدم درآید و موجود شود، نیازمند واجب الوجود بالذات است؛ موجودی که وجود، ذاتی او باشد. ۳. پس، موجودات این جهان به واجب الوجودی بالذات وابسته اند که آنها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است.	
جمع بارم: ۲۰ نمره		نام و نام خانوادگی مصحح:
		امضاء: